

نگاهی به وضعیت بخش‌های عمده

اقتصاد ایران

گزارش سوم: بخش کشاورزی



معاونت بررسی‌های اقتصادی  
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران



---

---

تهیه کننده: فاطمه علیزاده آغاسمعیلی

معاونت بررسی‌های اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

بهمن ۱۴۰۲

---

---

از طریق پست الکترونیکی زیر می‌توانید پیشنهادهای و نظرات اصلاحی خود را به واحد مربوطه منعکس  
نمایید:

[economic\\_research@tccim.ir](mailto:economic_research@tccim.ir)

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.

## فهرست مطالب

۴.....	خلاصه مدیریتی.....
۵.....	مقدمه.....
۶.....	۱. ارزش افزوده.....
۸.....	۲. اشتغال.....
۹.....	۳. موجودی سرمایه.....
۱۰.....	۴. تسهیلات پرداختی.....
۱۱.....	۵. بهره‌وری.....
۱۲.....	۶. تولید محصولات زراعی.....
۱۸.....	۷. تجارت.....
۱۸.....	۷-۱. واردات گندم.....
۲۰.....	۷-۲. واردات جو.....
۲۱.....	۷-۳. واردات برنج.....
۲۲.....	۷-۴. واردات ذرت.....
۲۴.....	۸. چالش‌ها، تنگناها و مسائل اساسی.....
۲۷.....	۹. جمع‌بندی و ارائه راهکار.....
۲۹.....	۱۰. منابع.....

## خلاصه مدیریتی

کشاورزی و تولیدات آن نقش بنیادی در تداوم حیات بشری دارد. زمینه‌های تحول جوامع توسعه‌یافته گویای آن است که سرچشمه این توسعه‌یافتگی در بسیاری از جوامع مزبور مازاد تولید در بخش کشاورزی بوده که مبنای تحولات در مراحل اولیه توسعه شده است. در نتیجه بخش کشاورزی به‌عنوان یکی از بخش‌های اساسی تولید ناخالص داخلی و یکی از اجزای مهم صادرات غیر نفتی جایگاه ویژه‌ای در بین بخش‌های مختلف اقتصادی به خود اختصاص داده است. با توجه به اینکه بخش کشاورزی نقش بسیار مهمی در امنیت غذایی، خودکفایی در تولید و تامین محصولات اساسی، رفاه جامعه، تولید ناخالص ملی و در نهایت رشد اقتصادی ایفا می‌کند، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران این حوزه باید آن را در تمامی برنامه‌های اقتصادی خود لحاظ نمایند.

این بخش افزون بر تامین غذا و بخشی از اشتغال در جامعه، منبع تامین مواد اولیه بخش‌های صنعتی و خدماتی متعدد است. در ایران نیز بخش کشاورزی از قابلیت‌های اساسی برای ایفای نقش پیشران توسعه ملی برخوردار است. این بخش با برخورداری از سهم حدود ۱۸.۵ درصدی از تولید ناخالص داخلی (در نیمه نخست ۱۴۰۲) و سهم ۱۵.۵ درصدی از اشتغال (تابستان ۱۴۰۲) جایگاه مهمی در اقتصاد کلان کشور دارد. اما چالش‌های موجود در این مسیر مانع پیشرفت این بخش در اقتصاد ایران شده است. طی سال‌های اخیر به دلیل نوسانات ارزی کشور، افزایش حجم کالاهای وارداتی، تحولات قیمتی در بازارهای جهانی و کسری تراز تجاری، بخش کشاورزی کشور دستخوش تحولات اساسی و مهمی شده است. علاوه بر موارد مذکور، امروزه افزایش جمعیت و نیاز روزافزون به مواد غذایی و نیز مواد اولیه بخش صنعت، محدودیت‌های منابع پایه به‌ویژه آب توجه به کشاورزی را اجتناب‌ناپذیر کرده است. در نتیجه برنامه‌ریزی برای استفاده صحیح و حداکثری از ظرفیت‌های موجود و منابع و همچنین توسعه بخش کشاورزی با در نظر گرفتن نقش محوری این بخش در تامین امنیت غذایی ضروری است. برای برنامه‌ریزی به‌منظور تقویت بخش کشاورزی می‌بایست عوامل اثرگذار بر این بخش، متغیرهای مرتبط، چالش‌ها و تنگناها شناخته شود. بررسی و رصد پیوسته وضعیت کشاورزی با ایجاد نگاهی جامع و فراگیر بر متغیرهای مختلف تاثیرگذار بر این بخش، امکان شناسایی چالش‌های موجود و تنگناهای احتمالی که ممکن است در آینده بر کسب‌وکارهای کشاورزی وارد شود را فراهم آورده و می‌تواند مشکلات راهبردی کلان که در حال حاضر فعالان بخش خصوصی با آن مواجه هستند شناسایی و ارزیابی نماید. لذا در این گزارش به تحلیل و تبیین مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی بخش کشاورزی ایران ضمن شناسایی تنگناهای این بخش و ارائه راهکار، پرداخته شده است.

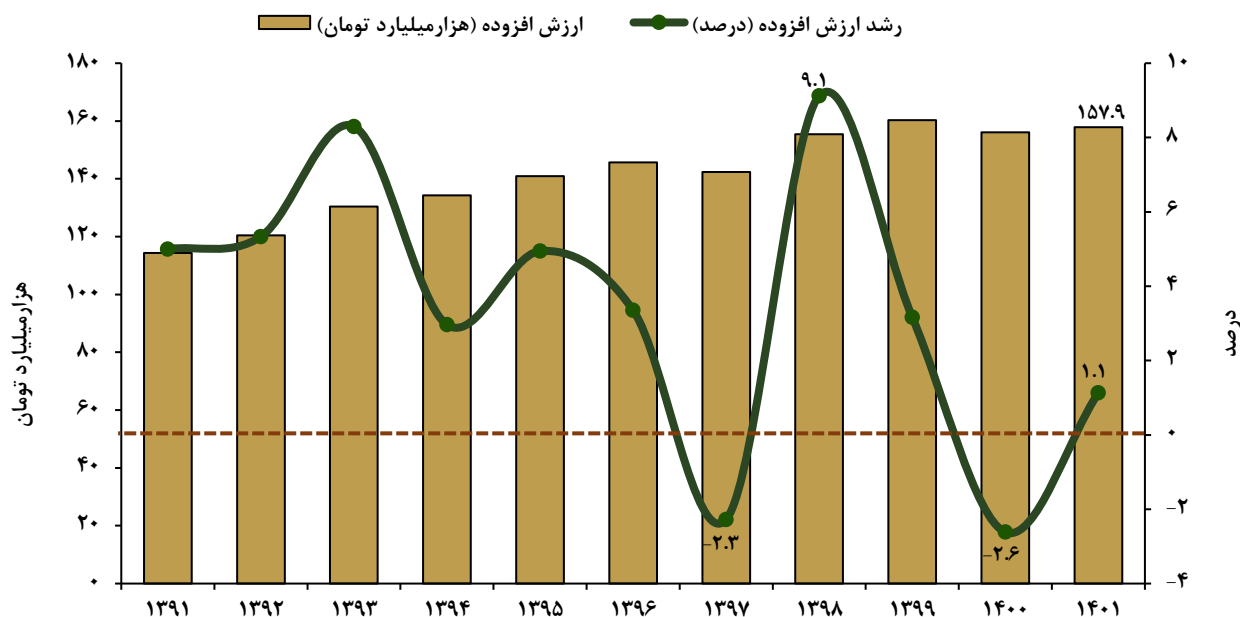
## مقدمه

بخش کشاورزی به‌عنوان تامین‌کننده سهم مهمی از تولید ناخالص داخلی، اشتغال، نیازهای غذایی و صادرات غیرنفتی در فرآیند رشد اقتصادی جایگاه ویژه‌ای دارد. علی‌رغم تحولات صورت گرفته در اقتصاد کشور، بخش کشاورزی هنوز جایگاه خود را حفظ نموده است. اما وجود مجموعه‌ای از چالش‌ها مانند کاهش مساحت اراضی مفید، استفاده نامناسب آب، پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید، پیری جمعیت و عدم تمایل جوانان به فعالیت در این بخش سبب شده است بخش کشاورزی ایران با گذشت زمان دچار ناپایداری شود. با هدف حفظ منابع طبیعی و بهره‌برداری صحیح از آن، توجه به توسعه پایدار کشاورزی ضرورت دارد. شایان ذکر است رسیدن به توسعه پایدار در این بخش مستلزم شناسایی جنبه‌های مختلف و معضلات فعلی این بخش است.

## ۱. ارزش افزوده

شاخص اقتصادی ارزش افزوده به‌عنوان مهم‌ترین شاخص عملکرد اقتصادی و نمایانگر قدرت اقتصادی کشورها در میان شاخص‌های اقتصاد کلان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی به عوامل متعددی از قبیل میزان بارندگی و بهره‌برداری از منابع آبی، ساختار توزیع نهاده‌ها و محصولات، استراتژی‌های حمایتی دولت و ... بستگی دارد. ارزش‌افزوده بخش کشاورزی ایران و روند رشد آن به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵ از سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ در نمودار ۱ ترسیم شده است. بررسی آمار و ارقام رسمی نشان می‌دهد که ارزش افزوده گروه کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ به‌طور متوسط ۳.۳ درصد رشد داشته است. با این حال باید توجه نمود که ایران در سال‌های اخیر وارد دوره خشکسالی شده و میانگین بارش سالانه کشور پایین‌تر از سطح متوسط بلند مدت آن قرار دارد. طی سال ۱۳۹۷ ارزش‌افزوده بخش کشاورزی حدود ۲.۳ درصد نسبت به سال ۱۳۹۶ کاهش داشته و به ۱۴۲.۲ هزار میلیارد تومان رسیده است. در سال ۱۳۹۸ به لطف شرایط آب‌وهوایی مساعد و افزایش بارندگی‌ها در ابتدای این سال، ارزش افزوده بخش مزبور با رشد قابل ملاحظه ۹.۱ درصدی، از ۱۴۲.۴ هزارمیلیارد تومان در سال ۱۳۹۷ به ۱۵۵.۴ هزارمیلیارد تومان رسیده است. بر اساس آمار رسمی بانک مرکزی در سال ۱۳۹۸، کل اقتصاد در این سال کوچک شده و رشد اقتصادی کشور منفی و معادل ۱۰.۵- درصد برآورد شده است. سیر نزولی اقتصاد در این سال به دلیل رکود در بخش نفت و گاز حدود ۳۶.۲- درصد بوده و بخش‌های صنعت و معدن و خدمات نیز به ترتیب با رشدهای ۱ درصد و ۰.۳- درصد مواجه شده است. در نتیجه می‌توان بیان نمود در سال ۱۳۹۸، بخش کشاورزی تا حد بسیار بالایی در بهبود وضعیت اقتصادی کشور نقش موثری داشته است. ارزش‌افزوده این بخش در سال ۱۳۹۹ نیز صعودی بوده و سپس با پایان خوش بارندگی‌های کشور در این سال و ادامه روند کاهشی میزان بارندگی، ارزش افزوده بخش کشاورزی روند نزولی به خود گرفته به‌طوری‌که در سال ۱۴۰۰، ارزش افزوده آن با کاهش ۲.۶ درصدی نسبت به سال قبل به ۱۵۶.۱ هزارمیلیارد تومان رسیده است. بر اساس آمار و اطلاعات وزارت نیرو میزان بارندگی در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ یکی از کمترین بارش‌ها طی ۲۰ سال اخیر بوده است. شایان ذکر است ارزش افزوده بخش کشاورزی در سال ۱۴۰۱ با رشد ۱.۱ درصدی نسبت به سال ۱۴۰۰ به ۱۵۷.۹ هزارمیلیارد تومان رسیده است.

نکته مهم دیگر در ارزش‌افزوده بخش کشاورزی تاثیر تحریم‌های اقتصادی و خشکسالی بر این بخش است. تحریم‌های اقتصادی به روش‌های گوناگونی مانند افزایش هزینه‌های تولید، کاهش دسترسی کشور به نهاده‌های کشاورزی، افت سرمایه‌گذاری این بخش و ... می‌تواند (با یک وقفه زمانی) بر ارزش افزوده این بخش و در نتیجه رشد اقتصادی کشاورزی اثرگذار باشد.

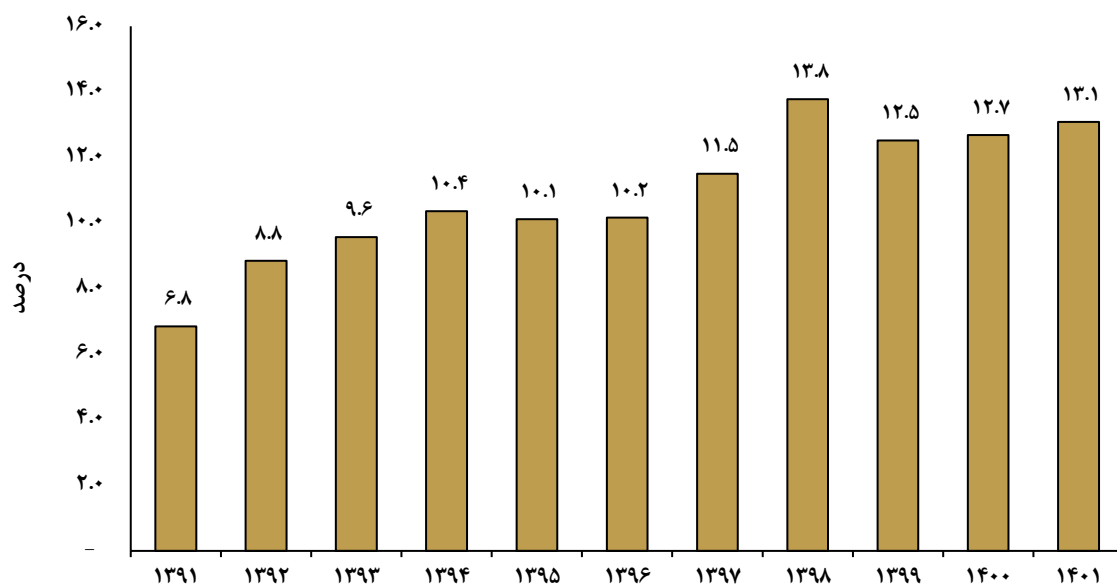


نمودار ۱. روند و رشد ارزش افزوده بخش صنعت طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ - به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵

منبع: بانک مرکزی

## ۲-۱. سهم ارزش افزوده از تولید ناخالص داخلی

بررسی پیشینه تحولات بخش‌های اقتصادی نشان می‌دهد که در شرایط عدم توسعه صنعتی و نبود اقتصاد دیجیتال، بخش کشاورزی اهمیت بالایی در اقتصاد داشته است. ولی با گذشت زمان، به‌طور تدریجی از اهمیت این بخش کاسته و سهم آن به نفع بخش خدمات و صنعت کاهش یافته است. نمودار ۲، سهم بخش کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری از تولید ناخالص داخلی را نشان می‌دهد. طی سال‌های مورد بررسی، سهم بخش مزبور از تولید ناخالص داخلی ثابت نبوده و با نوساناتی همراه بوده است. علی‌رغم این نوسانات بررسی روند تغییرات سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی از سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که سهم این بخش در تولید ناخالص داخلی ایران، از ۶.۸ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۱۳.۱ درصد در پایان سال ۱۴۰۱ افزایش یافته است. طبق آمار رسمی بانک مرکزی، بیشترین سهم گروه کشاورزی از تولید ناخالص داخلی مربوط به سال ۱۳۹۸ و برابر با ۱۳.۸ درصد و کمترین آن مربوط به سال ۱۳۹۱ و برابر با ۶.۸ درصد بوده است. همانطور که پیشتر بیان شد در سال ۱۳۹۸، به دلیل رشد بخش کشاورزی توأم با نزول جایگاه بخش نفت و عملکرد ضعیف سایر بخش‌های اقتصادی سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی افزایش یافته است.



نمودار ۲. سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری از تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱

منبع: بانک مرکزی

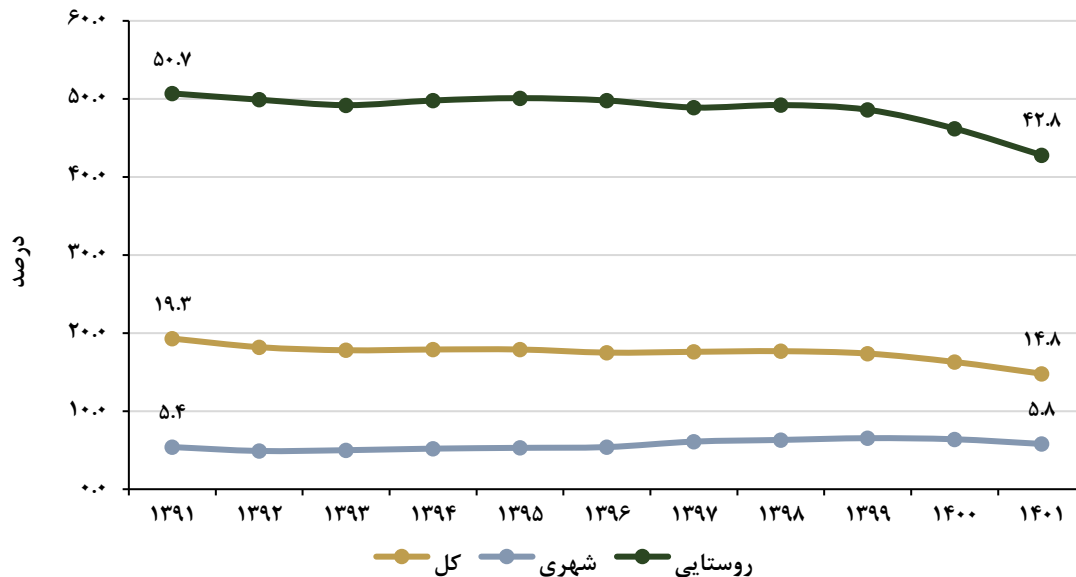
## ۲. اشتغال بخش کشاورزی

از دیرباز بخش کشاورزی از نظر توسعه اقتصادی و اشتغال از مهم‌ترین بخش‌های کشور بوده است. در اکثر جوامع با روند توسعه صنعتی و سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش صنعت، میزان اشتغال بخش کشاورزی پایین‌تر از سایر بخش‌ها است. توزیع نسبی شاغلان ۱۵ ساله و بیشتر بر حسب سه بخش عمده خدمات، صنعت و کشاورزی در ایران مبین این امر است که سهم شاغلان بخش کشاورزی نسبت به خدمات و صنعت کمتر است. بازار کار بخش کشاورزی از حیث فصلی بودن فعالیت‌های کشاورزی تفاوت‌هایی با سایر بخش‌های اقتصادی داشته و تقاضای نیروی کار در این بخش به زمان‌هایی از سال محدود بوده و از این رو اغلب جوانان مجذوب اشتغال در این بخش نمی‌شوند.

سهم شاغلان بخش کشاورزی از کل شاغلان کشور، در نمودار ۳ نشان داده شده است. براساس اطلاعات مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۱، سهم شاغلان این بخش طی سال‌های مورد بررسی روند نزولی داشته و در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۳۹۱، حدود ۴.۵ واحد درصد کاهش یافته و از ۱۹.۳ درصد به ۱۴.۸ درصد است. بررسی سهم اشتغال شهری و روستایی در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۳۹۱ حاکی از این امر است که از شاغلان بخش کشاورزی روستایی کاسته شده و بر شاغلان بخش کشاورزی شهری افزوده شده است که به وضوح در نمودار ۳ قابل ملاحظه است. واقعیت آن است بخش کشاورزی می‌تواند تا زمان حل بحران بیکاری، بخشی از فرصت‌های اشتغال مورد نیاز جوامع در حال توسعه را تامین کرده و برای بخش مهمی از بیکاران جامعه اشتغال‌آفرینی نماید. بدین منظور پیشنهاد می‌شود از طریق افزایش امکانات زندگی در سطح روستاها، نزدیک نمودن سطح زندگی بین شهر و روستا،



تخصیص تسهیلات حمایتی، حذف یا کاهش مداخله‌های نالازم دولت در این بخش، افزایش مهارت جوانان و آموزش‌های لازم در تولیدات محصولات کشاورزی و به‌کارگیری تکنولوژی‌های پیشرفته جوانان را نسبت به زندگی در روستا و اشتغال در بخش کشاورزی ترغیب نمود.

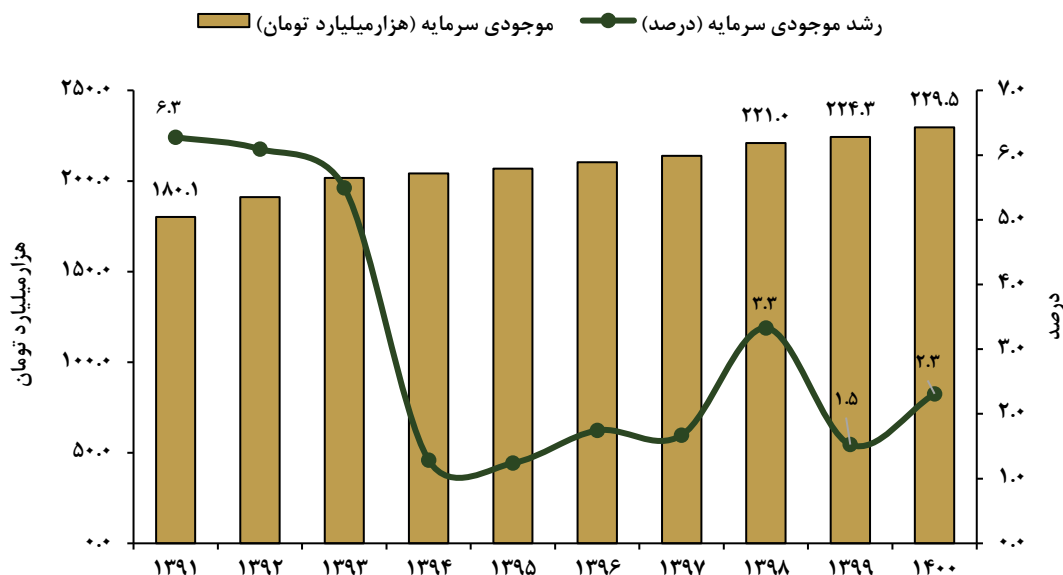


نمودار ۳. سهم جمعیت شاغل ۱۵ ساله و بیشتر بخش کشاورزی بر حسب مناطق طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱

منبع: مرکز آمار ایران

### ۳. موجودی سرمایه

بر اساس تعریف بانک مرکزی، موجودی سرمایه عبارت است از مجموعه کالاهای سرمایه‌ای و دارایی‌های غیر مالی تولید شده کشور که تحت عنوان ارقام تشکیل سرمایه ثابت ناخالص قابل اندازه‌گیری بوده و در فرایند تولید کالاها و خدمات و ایجاد درآمد نقش دارند. بنا به تعریف نظام استاندارد حساب‌های ملی، موجودی سرمایه، خالص ارقام تجمعی تشکیل سرمایه با توجه به طول عمر مفید آنها است. موجودی سرمایه در بخش کشاورزی و رشد آن در نمودار ۴ به تصویر کشیده شده است. اگرچه موجودی سرمایه در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۳۹۱ افزایش یافته و به ۲۲۹.۵ هزارمیلیارد تومان رسیده، اما با توجه به نمودار، طی سال‌های اخیر از سرعت رشد آن کاسته شده است. روند تغییرات موجودی سرمایه بخش کشاورزی، به‌گونه‌ای است که خطر فشار بر منابع پایه و برداشت از ذخایر موجودی سرمایه را گوشزد می‌کند.

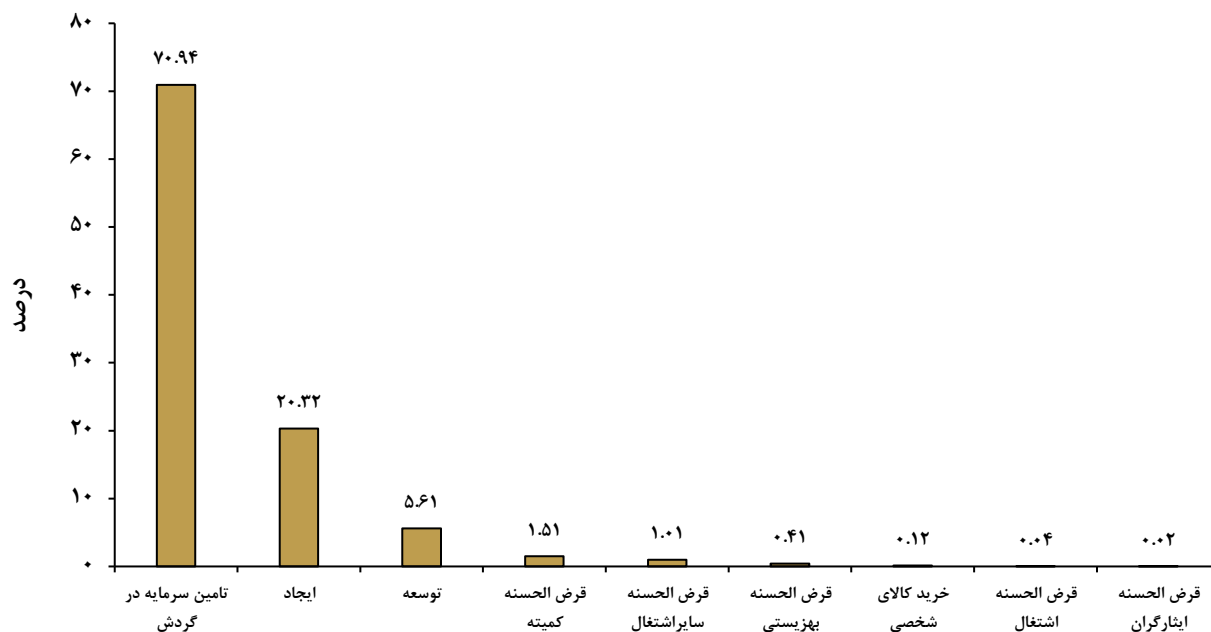


نمودار ۴. موجودی سرمایه بخش کشاورزی و رشد آن طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰

منبع: بانک مرکزی

#### ۴. تسهیلات پرداختی

در بیشتر جوامع، دولت‌ها با اتخاذ سیاست‌هایی مانند اعطای اعتبارات به بخش کشاورزی، از این بخش حمایت می‌کنند. در ایران بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، تسهیلات پرداختی در این بخش به دو صورت؛ تسهیلات جاری (برای مصارفی مانند خرید بذر، کود و سموم) و تسهیلات سرمایه‌ای (برای مصارفی مانند خرید ماشین‌آلات کشاورزی، ایجاد سیلو و...) انجام می‌پذیرد. در سال ۱۴۰۱، بانک‌ها حدود ۲۷۹.۷ هزار میلیارد تومان به بخش کشاورزی تسهیلات پرداخت کرده‌اند که نسبت به سال ۱۴۰۰ حدود ۴۰.۶ درصد افزایش یافته اما با این حال بعد از بخش مسکن و ساختمان کمترین سهم از تسهیلات بانکی را در سال ۱۴۰۱ جذب نموده است. با توجه به فعالیت کوچک مقیاس کشاورزان نسبت به نیروی کار سایر بخش‌های اقتصادی، این گروه با بی‌ثباتی شرایط اقتصادی و تغییرات قیمتی بیشتر تحت تاثیر قرار می‌گیرند. در نتیجه می‌توان بیان نمود دسترسی به موقع به تسهیلات کافی در بخش کشاورزی ضرورت بیشتری نسبت به سایر بخش‌ها دارد. در نمودار ۵ سهم اهداف تسهیلات پرداختی به بخش کشاورزی از کل تسهیلات پرداختی به این بخش نشان داده شده است. بررسی تسهیلات پرداختی به بخش کشاورزی حاکی از این است که بخش عمده این تسهیلات (حدود ۷۰.۹ درصد) صرف تامین سرمایه در گردش شده است.

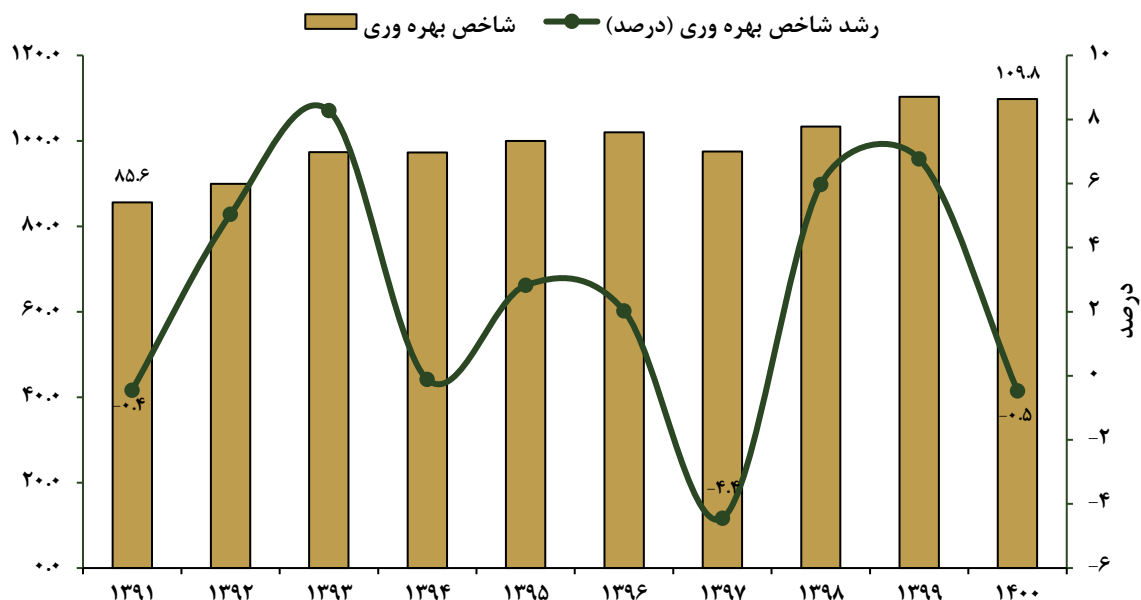


نمودار ۵. سهم اهداف تسهیلات پرداختی به بخش کشاورزی از کل تسهیلات پرداختی به این بخش در سال ۱۴۰۱

منبع: بانک مرکزی

## ۵. بهره‌وری

بر اساس ادبیات اقتصادی، رشد بهره‌وری از مولفه‌های لازم برای رشد مداوم اقتصاد هر جامعه‌ای است. به‌طور کلی بهره‌وری به‌صورت نسبت ستانده به نهاده تعریف شده و مفهوم کلی آن، استفاده کارآمد از عوامل تولید (نیروی کار، سرمایه، انرژی و ...) برای تولید کالاها و خدمات می‌باشد (اتاق ایران، ۱۳۹۶). با افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌ی هر واحد محصول و قیمت تمام شده‌ی آن، پتانسیل و کارایی بخش کشاورزی در رقابت با سایر بخش‌های اقتصادی و بازارهای بین‌المللی افزایش می‌یابد. در بلندمدت محدودیت سرمایه و نقدینگی واحدهای تولیدی می‌تواند سبب عقب ماندگی در دانش و فناوری روز شده و بهره‌وری عوامل تولید را کاهش دهد. بخش کشاورزی به واسطه‌ی بهره‌مندی از منابع پایه ارزان‌تر به میزان زیادی می‌تواند این محدودیت‌ها را جبران و توانایی خود را در به‌کارگیری کارآمد از عوامل تولید ارائه دهد. بر اساس آمار ارائه شده از سوی سازمان بهره‌وری ایران و نمودار ۶، روند کلی شاخص بهره‌وری عوامل تولید بر حسب تعداد شاغلان و ارزش موجودی سرمایه بخش کشاورزی طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ با نوسانات اندکی، صعودی بوده و از ۸۵.۶ در سال ۱۳۹۱ با متوسط رشد سالانه ۲.۸ درصد به ۱۰۹.۸ در سال ۱۴۰۰ رسیده است. علل مختلفی از جمله افزایش سطح مکانیزاسیون، دانش و فناوری را می‌توان به این روند صعودی طی سال‌های مورد بررسی، نسبت داد.



نمودار ۶. شاخص و رشد بهره‌وری عوامل تولید بر حسب تعداد شاغلان و ارزش موجودی سرمایه بخش کشاورزی طی

سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱

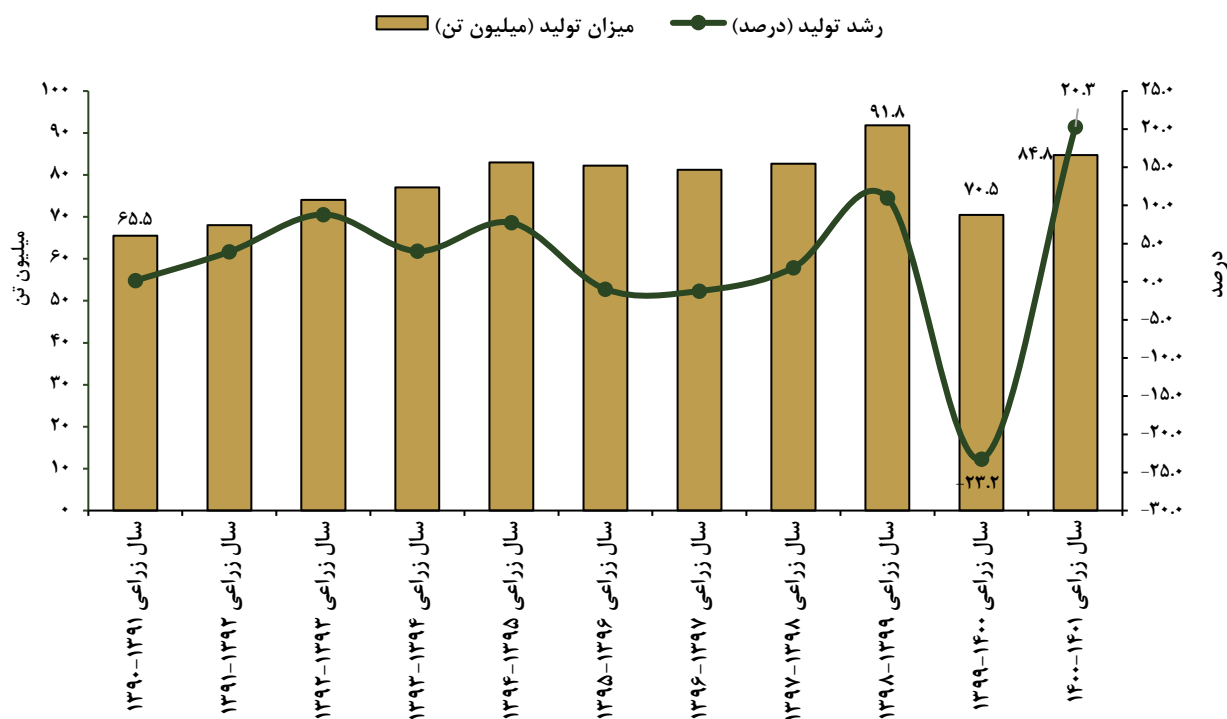
منبع: سازمان بهره‌وری ایران

## ۶. تولید محصولات زراعی

افزایش سطح تولید محصولات کشاورزی از دو جهت؛ خودکفایی در این بخش و صادرات محصولات تولید شده حائز اهمیت است. با توجه به اینکه امنیت غذایی سنگ بنای یک جامعه توسعه‌یافته بوده و از اهمیت ویژه‌ای در هر کشور برخوردار است، لذا افزایش میزان تولیدات محصولات کشاورزی می‌تواند منجر به تحقق این امر مهم شود. عوامل بسیاری مانند رشد اقتصادی، نرخ تورم، ارزش‌افزوده، نرخ شهرنشینی، کفایت منابع آب، میزان تکنولوژی‌های نوین به‌کارگرفته شده، توزیع درآمد، نسبت جوانی جمعیت و نوسانات اقلیمی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر میزان تولید محصولات کشاورزی اثرگذار است.

مطابق با نمودار ۷ که در آن میزان تولید محصولات زراعی در کشور طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ نشان داده شده است، میانگین تولید محصولات زراعی در این دوره زمانی برابر ۷۸.۳ میلیون تن بوده است. همچنین میزان تولید محصولات زراعی در سال ۱۳۹۸ به دلیل وضعیت مناسب بارندگی به بالاترین سطح خود طی سال‌های مورد بررسی رسیده که برابر با ۹۱.۸ میلیون تن بوده است. طی این سال‌ها بیشترین میزان افزایش (درصد رشد) مربوط به سال ۱۴۰۱ بوده که نسبت به سال ۱۴۰۰ حدود ۲۰.۳ درصد رشد بوده است. بیشترین میزان کاهش (درصد

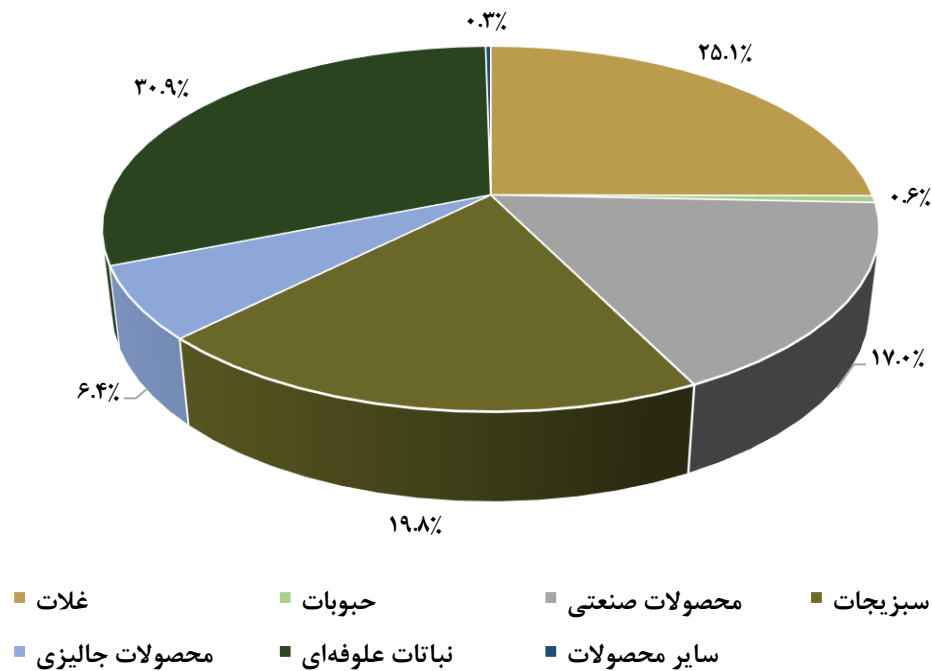
رشد) مربوط به سال ۱۳۹۹ بوده که نسبت به سال ۱۳۹۸ حدود ۲۳.۲ درصد کاهش داشته است. طی سال‌های اخیر به‌طور متوسط ۹۲ درصد از تولید محصولات زراعی متعلق به اراضی با کشت آبی و ۸.۲ درصد باقیمانده تولید متعلق به اراضی با کشت دیم می‌باشد.



#### نمودار ۷. میزان و رشد تولید محصولات زراعی کشور طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱

منبع: آمارنامه کشاورزی وزارت جهاد

با اتخاذ سیاست‌هایی مانند نگرش راهبردی و توجه ویژه به سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، در زمینه ارتقای زیرساخت‌های تکنولوژی و فناوری و افزایش استفاده از ماشین‌آلات پیشرفته، آموزش و افزایش مهارت نیروی انسانی، کاهش هزینه‌های تولید و ... می‌توان هدف خودکفایی و استقلال در تولید برخی از محصولات کشاورزی را محقق نمود. بر اساس آمارنامه کشاورزی وزارت جهاد (نمودار ۸) در سال ۱۴۰۱، نباتات علوفه‌ای بیشترین سهم را در تولید محصولات زراعی داشته‌اند به‌طوری‌که حدود ۳۰.۸۶ درصد تولید محصولات زراعی مربوط به نباتات علوفه‌ای بوده است. پس از آن محصول، غلات با داشتن سهمی معادل ۲۵.۱ درصد از کل تولید محصولات زراعی و محصولات صنعتی با سهم ۱۷ درصدی در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.



نمودار ۸. درصد تولید محصولات زراعی کشور به تفکیک گروه محصول در سال ۱۴۰۱

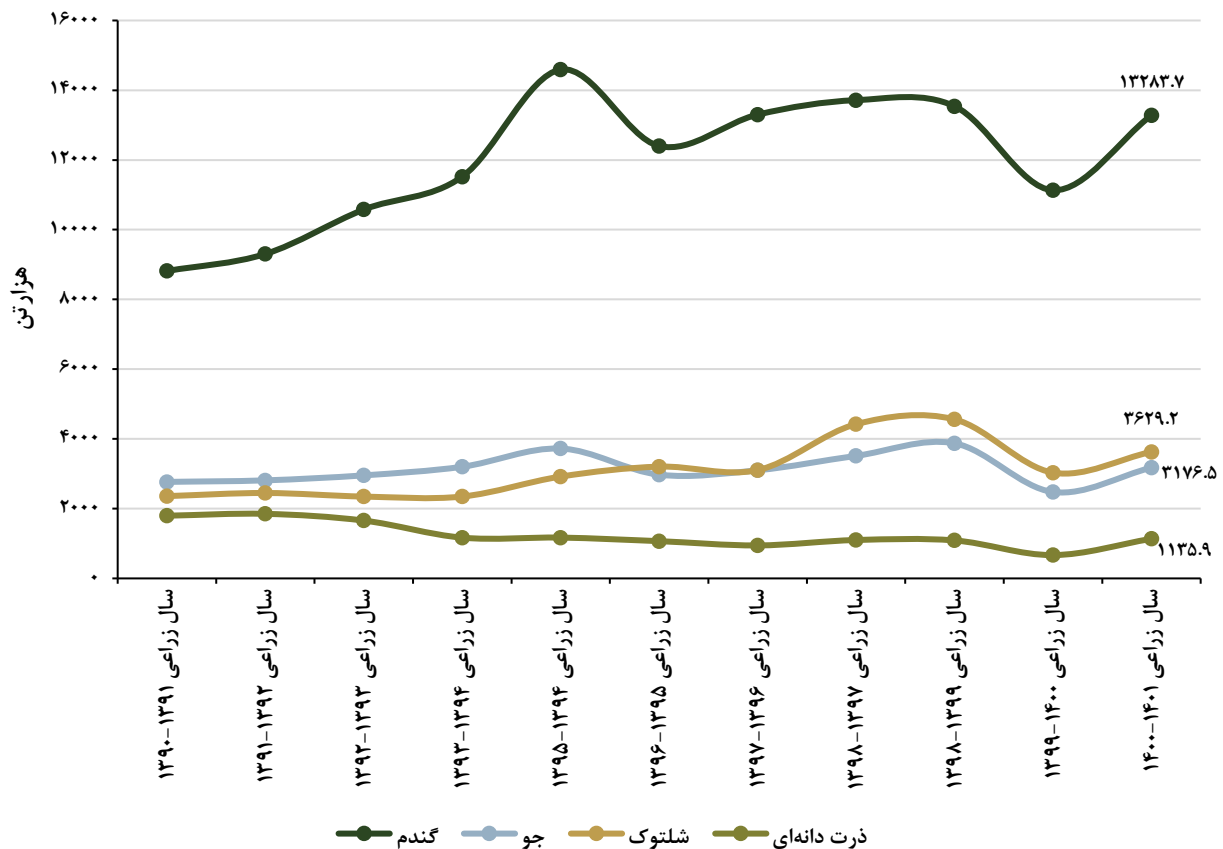
منبع: آمارنامه کشاورزی وزارت جهاد

## ۶-۱. تولید برخی محصولات مهم

یکی از مسائل مهم و اساسی در هر جامعه‌ای تامین کالاهای استراتژیک است. چرا که معیشت خانوارها در ارتباط مستقیم با این کالاها قرار داشته و افزایش تولید آن‌ها در داخل منجر به افزایش رشد اقتصادی، بهبود وضعیت کلی اقتصاد و تقویت جایگاه کشور در بازارهای بین‌المللی می‌شود. در نتیجه تامین کالاهای اساسی و ایجاد ثبات در عرضه این نوع کالاها در هر کشوری از دغدغه‌های مهم دولت‌ها در عرصه اقتصاد به شمار می‌رود. در ادبیات اقتصادی، زمانی بازار یک کالا از ثبات نسبی برخوردار بوده و از شوک‌های اقتصادی در امان خواهد بود که در زمان بروز بحران سیاست‌های مناسبی اتخاذ شود. ابزارهای سیاستی مانند خرید تضمینی، پرداخت یارانه و مواردی از این قبیل اقداماتی هستند که دولت‌ها می‌توانند در شرایط بحرانی اعمال کنند. شایان ذکر است اعمال هر یک از این اقدامات بسته به شرایط موجود نیازمند بررسی بیشتر روابط بین متغیرهای موجود در بازار است.

در نمودار ۹ تولید برخی از غلات مهم و اساسی نشان داده شده است. بر اساس آمار وزارت جهاد کشاورزی، طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱، به‌طور متوسط بیش از ۶۰ درصد غلات تولید شده مربوط به گندم بوده است و تولید

گندم به‌طور متوسط در این دوره حدود ۴.۲ درصد رشد کرده است. در سال ۱۴۰۱، حدود ۱۳.۳ میلیون تن گندم تولید شده است که نسبت به سال ۱۴۰۰، حدود ۱۹.۳ درصد رشد داشته است. طی بازه زمانی مورد بررسی بیشترین میزان گندم تولید شده مربوط به سال زراعی ۱۳۹۵ و برابر ۱۴.۶ میلیون تن بوده است. کمترین میزان گندم تولید شده نیز مربوط به سال ۱۳۹۱ و برابر با ۸.۸ میلیون تن بوده است.



نمودار ۹. روند تولید غلات به تفکیک محصول طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱

منبع: آمارنامه کشاورزی وزارت جهاد

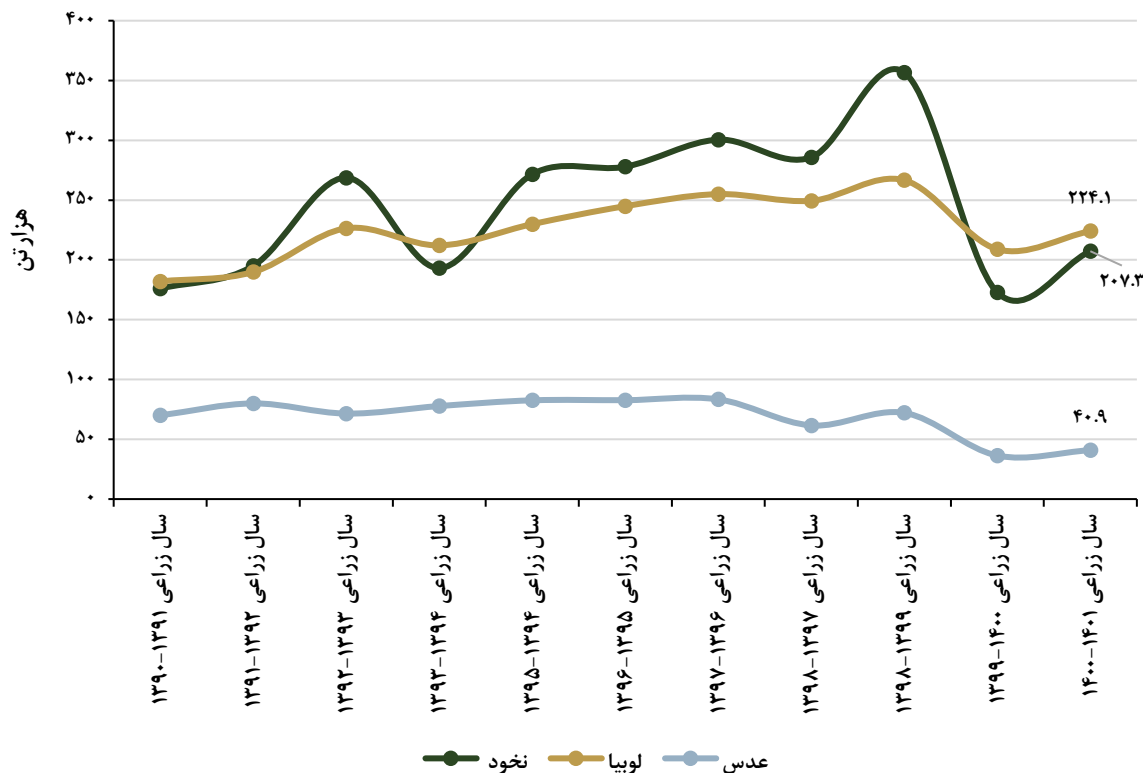
پس از گندم، جو در سال‌های مورد بررسی حدود ۱۶.۱ درصد از غلات تولید شده را به خود اختصاص داده است. میانگین رشد جو در بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ برابر ۱.۴ درصد بوده و بیشترین جو تولید شده در کشور (حدود ۳.۹ میلیون تن) مربوط به سال ۱۳۹۹ بوده است.

نمودار ۱۰، روند تولید حبوبات مهم را نشان می‌دهد. تولید نخود به‌طور میانگین طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱، حدود ۱.۶ درصد رشد داشته است. بیشترین میزان نخود تولید شده مربوط به سال ۱۳۹۹ و برابر با ۳۵۶.۷ هزارتن

و کمترین میزان نخود تولید شده مربوط به سال ۱۴۰۰ و برابر با ۱۷۲.۸ هزارتن بوده است. در سال ۱۴۰۱ نیز حدود ۲۰۷.۳ هزارتن نخود تولید شده که نسبت به سال ۱۴۰۰ نزدیک به ۲۰ درصد رشد داشته است.

تولید لوبیا به طور متوسط طی سال‌های مورد بررسی حدود ۲۰۱ درصد رشد داشته است. بیشترین لوبیای تولیدشده مربوط به سال ۱۳۹۹ و برابر با ۲۶۶.۶ هزارتن و کمترین لوبیای تولیدشده مربوط به سال ۱۳۹۱ و برابر ۱۸۲ هزارتن بوده است. در سال ۱۴۰۱ نیز حدود ۲۲۴.۱ هزارتن لوبیا تولید شده است که نسبت به سال ۱۴۰۰ حدود ۷.۳ درصد رشد داشته است.

برخلاف لوبیا و نخود، متوسط رشد تولید عدس در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱، برابر با منفی ۵.۲ درصد بوده است. بیشترین عدس تولید شده مربوط به سال ۱۳۹۷ و برابر با ۸۳.۴ هزارتن بوده و کمترین عدس تولید شده مربوط به سال ۱۴۰۰ و برابر با ۳۶.۴ هزارتن بوده است.



نمودار ۱۰. روند تولید حبوبات به تفکیک محصول طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱

منبع: آمارنامه کشاورزی وزارت جهاد

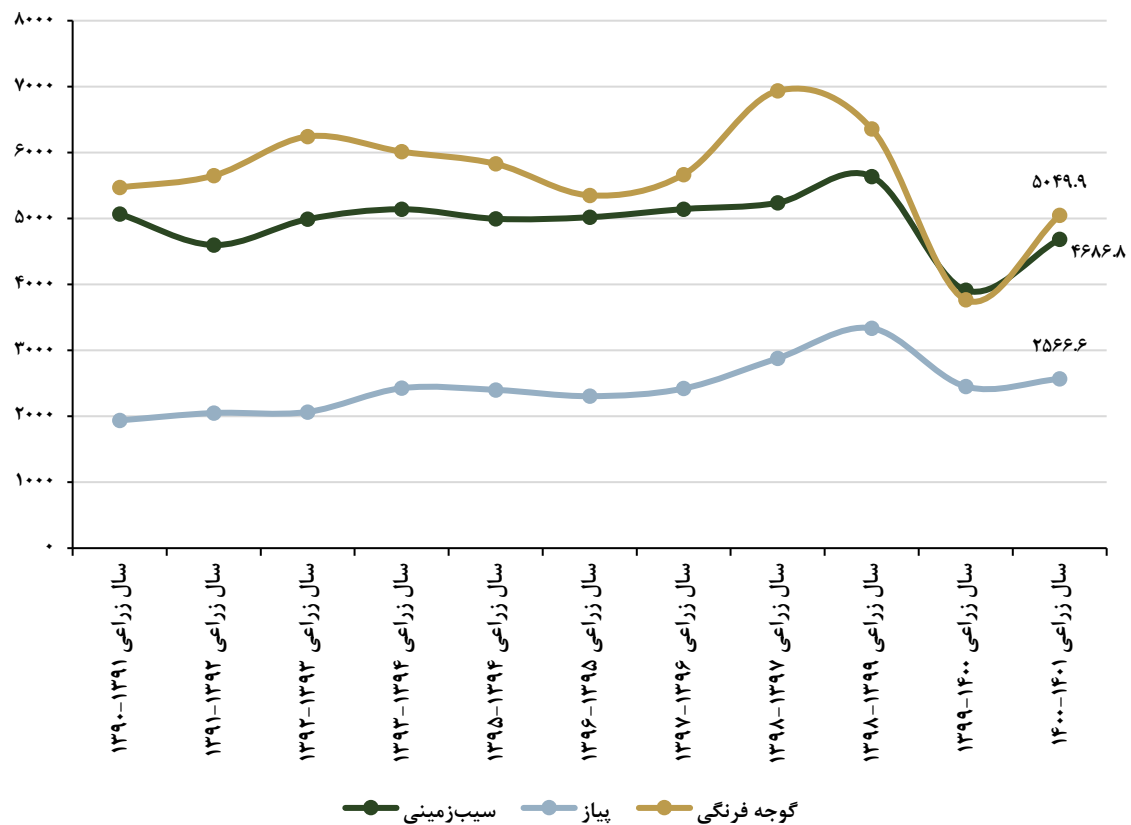
روند تولید مهم‌ترین سبزیجات در کشور طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ در نمودار ۱۱ نشان داده شده است. متوسط رشد تولید سیب زمینی طی سال‌های مورد بررسی برابر با منفی ۰.۸ درصد بوده و بیشترین میزان تولید این



محصول در سال ۱۳۹۹ و برابر با ۵.۶ میلیون تن بوده است. در سال ۱۴۰۱، حدود ۴.۷ میلیون تن سیبزمینی تولید شده که نسبت به سال ۱۴۰۰ حدود ۱۹.۷ درصد رشد داشته است. بیشترین کاهش در تولید این محصول نیز مربوط به سال ۱۴۰۰ بوده که نسبت به سال ۱۳۹۹ حدود ۶۰.۶ درصد کاهش داشته است.

تولید پیاز در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ به‌طور متوسط ۲.۸ درصد رشد داشته است. در سال ۱۳۹۹ تولید پیاز به اوج خود یعنی ۳.۳ میلیون تن در بازه زمانی مورد بررسی رسیده است. کمترین پیاز تولید شده نیز مربوط به سال ۱۳۹۱ و برابر با ۱.۹ میلیون تن بوده است.

تولید گوجه‌فرنگی در طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ متوسط رشدی برابر ۰.۷ درصد را تجربه کرده است. بیشترین گوجه‌فرنگی تولید شده مربوط به سال ۱۳۹۸ و برابر با ۶.۹ میلیون تن و کمترین گوجه‌فرنگی تولید شده مربوط به سال ۱۴۰۰ و برابر با ۳.۷ میلیون تن بوده است.



نمودار ۱۱. روند تولید سبزیجات به تفکیک محصول طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱

منبع: آمارنامه کشاورزی وزارت جهاد

شایان ذکر است در مطالعات صورت گرفته **سطح زیر کشت، قیمت و بارندگی** از عوامل مهم تاثیرگذار بر تولید محصولات زراعی بوده است و طبیعی است با تغییر هر کدام، تولید این محصولات تحت تاثیر قرار گیرد. به عنوان مثال با افزایش قابل توجه بارندگی کشور در سال ۱۳۹۸ روند تولیدات زراعی با بهبود مواجه شده است. با توجه به تصویر کنونی از وضعیت اقتصادی کشور از حیث وابستگی کالاهای اساسی به واردات و همچنین اهمیت کالاهای مورد بررسی در معیشت خانوارها، به نظر می رسد می بایست تولید این دسته از محصولات توأم با افزایش بهره‌وری و متناسب با ظرفیت‌های موجود در دستور کار قرار گیرد.

## ۷. تجارت

تجارت خارجی نقش اساسی در توسعه کشورها داشته است. در جهان کنونی، به دلیل تغییرات ایجاد شده در الگوی مصرف جهانی و جهانی شدن اقتصاد، موضوع تجارت کالاها و خدمات از اهمیت بالایی برخوردار است. لذا تمام کشورها در تلاش برای افزایش سهم قابل توجهی از تجارت بوده و جوامعی از سهم بالای تجارت جهانی برخوردار می‌شوند که از نظر اقتصادی به سطح مطلوبی رسیده باشند. تجارت خارجی محصولات کشاورزی یکی از ارکان اساسی در تجارت بدون نفت ایران به‌شمار می‌رود. بخش کشاورزی ایران با داشتن خصیصه‌هایی مانند بهره‌مندی از وضعیت جغرافیایی مناسب، نیروی کار ارزان و ... امکان تولید و صادرات محصولات در فصول مختلف سال را دارا می‌باشد. سیاست‌گذاران این بخش می‌بایست سیاست‌های راهبردی خود را در چارچوب ملاحظات آمایش سرزمین و الگوی کشت مناسب به سمت افزایش صادرات محصولات کشاورزی و کاهش واردات این محصولات سوق دهد تا اهدافی نظیر خودکفایی، امنیت غذایی و تسلط بر بازارهای جهانی امکان‌پذیر شود. با توجه به سهم اندک صادرات محصولات کشاورزی استراتژیک و تخصیص بخش عظیمی از درآمد کشور به واردات این محصولات، به همین دلیل در این بخش به بررسی روند واردات برخی محصولات مهم کشاورزی خواهیم پرداخت.

### ۷-۱. واردات گندم

گندم به عنوان ماده اصلی غذایی و یکی از محصولات عمده کشاورزی، اهمیت فراوانی در سیاست‌گذاری‌ها، رویکردها و مواضع دولت‌ها و همچنین کارگزاران بخش کشاورزی دارد. این محصول به عنوان یکی از اساسی‌ترین تامین‌کننده‌های کالری مصرفی مردم در دنیا، نقش مهمی در بازارهای جهانی داشته و امنیت غذایی کشورهای واردکننده را فراهم می‌کنند. به طور کلی گندم مشمول کد ۴ رقمی ۱۰۰۱ (گندم و مخلوط گندم) می‌شود.

اقتصاد کشور در زمینه کالاهای اساسی مانند غلات به شدت به واردات وابسته است و بخش قابل توجهی از مصرف داخلی آن از طریق واردات تامین می‌شود. روند واردات گندم از حیث وزنی طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ در

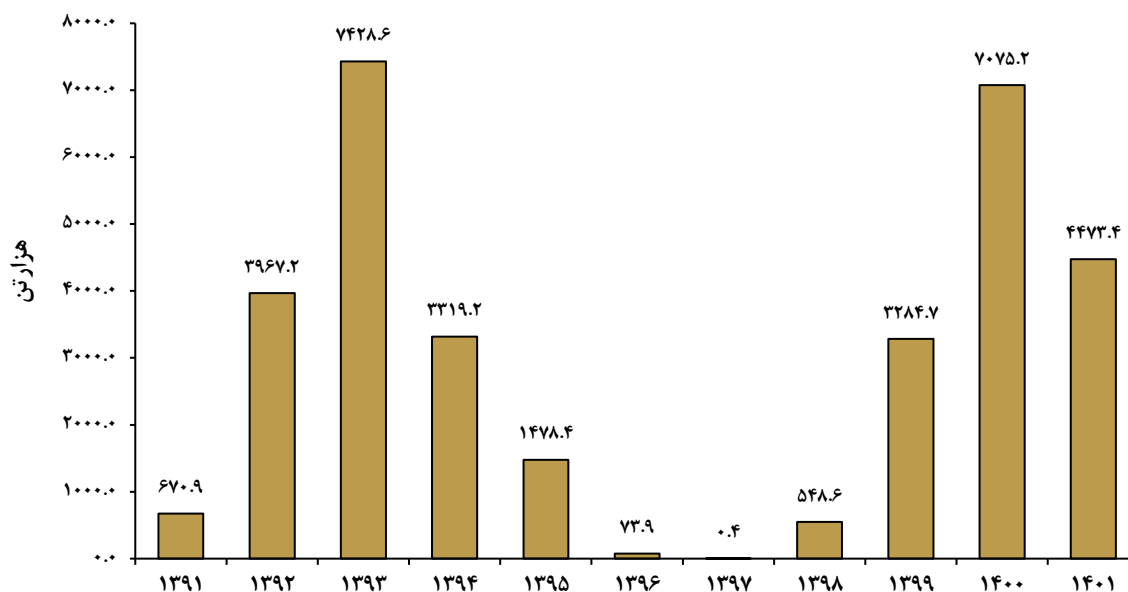
نمودار ۱۱ نشان داده شده است. همزمان با تشدید تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی در سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ میزان واردات گندم افزایش چشم‌گیری داشته است این موضوع به دلیل افزایش ذخایر احتیاطی گندم کشور صورت گرفته است.

در سال ۱۳۹۶ به دلیل تولید مساعد گندم در کشور، میزان واردات کاهش و به ۷۳.۹ هزار تن رسید و با ادامه روند صعودی تولید گندم کشور در سال ۱۳۹۷ نیز وارداتی بسیار ناچیز بوده و کل واردات گندم صورت گرفته در این سال برابر ۳۶۰ تن بوده است. در سال ۱۳۹۸ علی‌رغم تولید کافی گندم، میزان واردات افزایش یافته و به ۵۴۸.۶ هزارتن رسید. برای توضیح دلیل این امر می‌توان بیان نمود که بر اساس آمار وزارت جهاد کشاورزی، در سال ۱۳۹۸ حدود ۱۳.۷ میلیون تن گندم تولید شد اما دولت تا آخر آذرماه توانست ۷.۷ میلیون تن گندم را از کشاورزان خریداری نماید لذا برای جبران کسری ذخایر خود اقدام به واردات این محصول نمود. از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ میزان واردات گندم به‌طور متوسط ۱۰۱ درصد افزایش داشته است. در سال ۱۴۰۱ حدود ۴.۵ میلیون تن گندم وارد شده است که نسبت به سال ۱۴۰۰ حدود ۳۶.۸ درصد کاهش داشته است. بر اساس آمار گمرک در سال ۱۴۰۱، روسیه بزرگترین شریک تجاری ایران در واردات گندم بوده که سهمی معادل ۳۵.۵ درصد از کل واردات گندم از این کشور بوده است. پس از روسیه، آلمان با سهمی معادل ۱۹.۷ از عمده مبادی وارداتی گندم است. در طی بازه زمانی مورد بررسی بیشترین میزان گندم وارد شده از حیث وزنی مربوط به سال ۱۳۹۳ و کمترین میزان گندم وارد شده مربوط به سال ۱۳۹۷ بوده است. بررسی آمارهای رسمی نشان می‌دهد علی‌رغم وجود مزیت نسبی در تولید گندم ایران یکی از بزرگترین واردکنندگان گندم است به‌طوری‌که بر اساس آمار و اطلاعات مرکز تجارت بین‌المللی<sup>۱</sup>، ایران در سال ۲۰۲۲، یازدهمین کشور عمده وارد کننده گندم در جهان بوده است.

به‌رغم تلاش‌های صورت گرفته در راستای کاهش واردات گندم و خودکفایی در تولید این محصول، سیاست‌های حمایتی به درستی اعمال نشده و دستیابی به تولید و خودکفایی پایدار گندم همچنان دور از اطمینان کافی قرار دارد. نظر به اهمیت استراتژیک گندم در امنیت غذایی و نقش آن در معیشت بخش عظیمی از مردم کشور، سیاست‌گذاران این حوزه می‌بایست از طریق حمایت‌ها و سیاست‌های راهبردی تلاش نمایند تا بستر و شرایط لازم برای تقویت انگیزه تولید و ظهور مزیت‌های نسبت در راستای حصول خودکفایی و پیشینه‌سازی رفاه جامعه را فراهم نمایند.

---

<sup>۱</sup> International Commerce Centre (ITC)

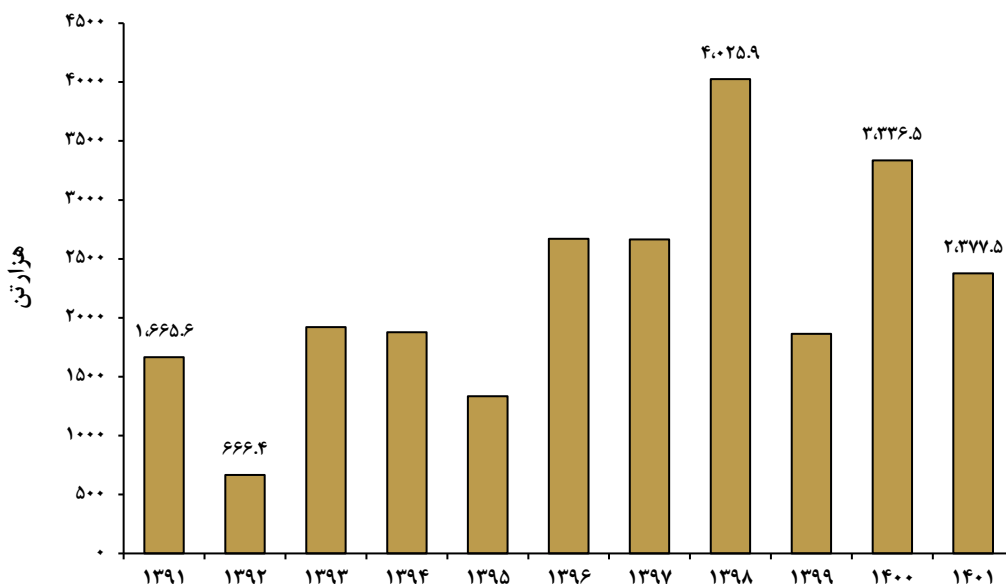


نمودار ۱۲. میزان واردات گندم طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ - هزار تن

منبع: گمرک ج.ا.ا.

## ۷-۲. واردات جو

تامین پروتئین کشور وابستگی بالایی به شرایط واردات نهاده‌های دامی دارد. جو از مهم‌ترین محصولات وارداتی گروه غلات و نهاده‌های دامی بوده در میان غلات، جو یکی از محصولاتی است که واردات آن سهم بالایی از حیث وزنی و ارزشی دارد. با توجه به اهمیت زیاد جو در تامین نهاده‌های تولید محصولات پروتئینی، تجارت این محصول بسیار با اهمیت است. به طور کلی جو تحت کد تعرفه ۴ رقمی ۱۰۰۳ طبقه‌بندی می‌شود. واردات محصول مزبور در نمودار ۱۱ نشان داده شده است. واردات وزنی جو طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ روند ثابتی نداشته و با نوسان همراه بوده است. طی سال‌های مزبور واردات این محصول به‌طور متوسط ۳.۶ درصد رشد داشته و ۲.۲ میلیون تن واردات داشته است. بیشترین میزان واردات مربوط به سال ۱۳۹۸ با ۴ میلیون تن و کمترین آن مربوط به سال ۱۳۹۲ با ۶۶۶.۴ هزار تن بوده است. در سال ۱۴۰۱، حدود ۲.۴ میلیون تن جو وارد کشور شده است که نسبت به سال ۱۴۰۰ با کاهش ۲۷.۸ درصدی مواجه شده است. در این سال بیش از ۷۰ درصد واردات از سه کشور امارات متحده عربی، انگلستان و ترکیه صورت گرفته است. این سه کشور به ترتیب سهمی حدود ۳۵، ۱۹ و ۱۷ درصدی از کل واردات جو در سال ۱۴۰۱ را به خود اختصاص داده‌اند.



نمودار ۱۳. میزان واردات جو طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ - هزارتن

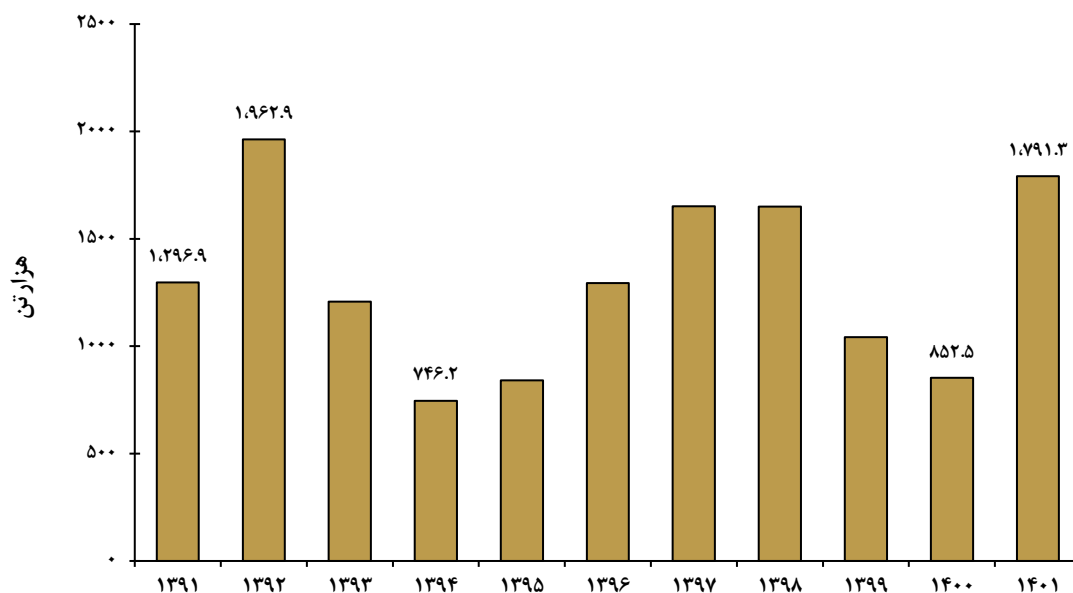
منبع: گمرک ج.ا.ا

با توجه به اهداف توسعه‌ای که در بخش تولیدات دامی کشور دنبال شده است، میزان نیاز به جو به‌عنوان خوراک دام طی بازه زمانی مورد بررسی افزایش داشته و واردات آن از ۱.۷ میلیون تن در سال ۱۳۹۱ به ۲.۴ میلیون تن در سال ۱۴۰۱ رسیده است. همانطور که پیش‌تر بررسی شد، علی‌رغم اینکه میزان تولید این محصول در داخل افزایش یافته است، تراز تجاری آن طی بازه زمانی مورد بررسی منفی بوده است.

### ۷-۳. واردات برنج

در ایران با توجه به نوع ذائقه مردم، برنج به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین نیازهای روزانه کشور و به‌عنوان کالایی اساسی و ضروری در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی است. از آنجایی که این محصول جز کالاهای اساسی کشور است، دولت مقدار مازاد مصرف داخلی را از طریق واردات تامین کرده و هر ساله میزان قابل توجهی از درآمد ملی، صرف واردات این محصول می‌شود. به طور کلی برنج تحت کد تعرفه ۴ رقمی ۱۰۰۶ طبقه‌بندی شده و در نمودار ۱۴ میزان واردات آن طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ نشان داده شده است. واردات برنج در طی سال‌های مورد ارزیابی روند ثابتی نداشته و به‌طور متوسط ۳.۳ درصد رشد داشته است. بیشترین میزان واردات برنج از حیث وزنی در سال ۱۳۹۲ به میزان ۱.۹ میلیون تن و کمترین میزان واردات برنج در سال ۱۳۹۴ به میزان ۷۴۶.۲ هزارتن بوده است. در سال ۱۴۰۱، حدود ۱.۸ میلیون تن واردات برنج انجام شده است که نسبت به سال ۱۴۰۰ بیش از ۱۰۰ درصد رشد داشته است. در این سال بیش از ۹۰ درصد واردات برنج از سه کشور هند، پاکستان و تایلند صورت

گرفته که هر کدام به ترتیب سهمی حدود ۴۹.۹ درصد، ۳۵.۳ درصد و ۷.۱ درصد از واردات کل برنج را به خود اختصاص داده‌اند.



نمودار ۱۴. میزان واردات برنج طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱- هزارتن

منبع: گمرک ج.ا.ا

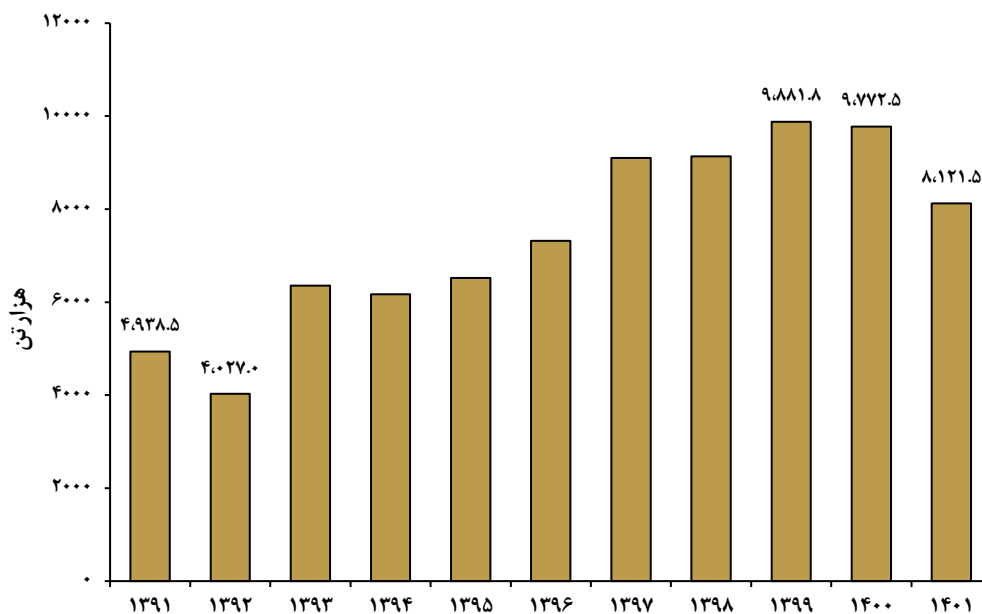
به‌طور کلی ایران واردکننده برنج می‌باشد اما طی سال‌های گذشته میزان افزایش تولید برنج، ایران را به صادرکننده این محصولات تبدیل نموده است.

## ۷-۴. واردات ذرت

ذرت، پس از گندم و برنج، سومین فرآورده‌ی مهم کشاورزی در جهان به‌شمار می‌رود. این محصول علاوه بر اینکه در تغذیه افراد نقش اساسی دارد، بخش چشمگیری از خوراک طیور را نیز فراهم آورده و در تولید روغن‌های خوراکی اهمیت بسیار زیادی دارد. با توجه به روند جمعیت و نیاز روزافزون آن‌ها به گوشت مرغ و تخم‌مرغ، واردات این محصول نقش عمده‌ای در ارائه سیاست‌های مهم در تامین نیاز داخلی دارد.

به‌طور کلی ذرت تحت کد تعرفه ۴ رقمی ۱۰۰۵ طبقه‌بندی می‌شود. در نمودار ۱۵، روند واردات ذرت از حیث وزنی طی بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ نشان داده شده است. واردات ذرت طی این سال‌ها حدود ۵ درصد رشد داشته است. بیشترین ذرت وارد شده مربوط به سال ۱۳۹۹ و حدود ۹.۹ میلیون تن و کمترین ذرت وارد شده مربوط به سال ۱۳۹۲ و حدود ۴ میلیون تن بوده است. عمده مبادی وارداتی این محصول در سال ۱۴۰۱، امارات

متحدہ عربی با سہم حدود ۶۳.۹ درصد، انگلستان با سہم حدود ۱۲.۱ درصد و ترکیہ با سہم حدود ۸.۶ درصد از کل واردات ہونہ است.



نمودار ۱۵. میزان واردات ذرت طی سالہای ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ - ہزار تن

منبع: گمرک ج.ا.ا

ایران بہ واردات ذرت دامی وابستگی بالایی داشتہ و در میان غلات مورد بررسی، ذرت دارای سہم قابل توجہی از واردات از حیث وزنی دارد. ذرت نیز همانند جو در تعیین ہزینہہای تولید محصولات پروتئینی نقش اصلی دارد و بہ دلیل سہم بالای این محصول در ہزینہ تولید و قیمت تمام شدہ محصولات مزبور، سہم قابل توجہی از وزن واردات نہادہہای کشاورزی را بہ خود اختصاص دادہ است.

## ۸. چالش‌ها، تنگناها و مسائل اساسی

بخش کشاورزی در ایران همواره اهمیت به‌سزایی داشته و از حیث برخورداری از نقش حیاتی در تامین امنیت غذایی کشور، ایجاد اشتغال، حفظ منابع طبیعی تجدیدپذیر و داشتن سهم بالا در صادرات غیرنفتی از بخش‌های مهم اقتصادی کشور محسوب می‌شود. وفق طبقه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی این بخش به زیربخش‌های زراعت و باغبانی، دام و طیور، شیلات، منابع طبیعی و آبخیزداری تقسیم‌بندی می‌شود. رونق تولید بخش کشاورزی می‌تواند ضمن کاستن وابستگی کشور به واردات در زمینه غذا و کالاهای اساسی و تامین امنیت غذایی، نقش قابل توجهی در توسعه اشتغال داشته باشد. به‌رغم مزیت‌ها و فرصت‌های فراوان پیش‌روی بخش کشاورزی، این بخش با چالش‌ها و تنگناهای بسیاری روبرو است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین تنگناهای این بخش اشاره خواهد شد. شناخت چالش‌های اساسی در این حوزه می‌تواند به سیاست‌گذاران و مجریان امر در راستای برنامه‌ریزی بهتر یاری نماید.

از اساسی‌ترین چالش‌های این بخش و یکی از مهم‌ترین دلایل پایین بودن صرفه اقتصادی تولید در بخش کشاورزی، بهره‌وری پایین تولیدات در این بخش است. بدون شک مهم‌ترین و جدی‌ترین مشکل کشاورزی ایران پایین بودن بهره‌وری بخش کشاورزی است، لذا توسعه اقتصادی در بخش کشاورزی مستلزم افزایش بهره‌وری تولید است.

یافته‌های اکثر تحقیقات در این خصوص گویای آن است که کشورهای در حال توسعه برای گذار از این بحران، بخش کشاورزی خود را از حالت سنتی خارج و با تکنولوژی‌های نوین درآمیخته‌اند تا از این طریق تولیدات خود را کارا سازند. با توجه به اینکه بخش کشاورزی کشور در سیاست‌های تولیدی و توسعه‌ای جایگاه ویژه‌ای دارد، برای خروج از وابستگی به اقتصاد تک محصولی و رسیدن به قابلیت چندجانبه، نیازمند توجه بیش از پیش به بخش کشاورزی است و بدون افزایش بهره‌وری در این بخش، خروج از وابستگی میسر نخواهد بود.

هرچند در این مطالعه و در بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ شاخص بهره‌وری بهبود یافته است ولی بررسی‌های دقیق‌تر حاکی از آن است که این میزان در مقایسه با شماری از کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اراضی خرد و پراکنده بسیار پایین است. فقدان برنامه جدی و اساسی برای سرمایه‌گذاری، عدم اصلاح زیرساخت‌ها، اشتغال ناچیز دانش‌آموختگان کشاورزی در این بخش، مخارج عمومی و بالا بودن هزینه تولید و ... موجب پایین بودن بهره‌وری کشاورزی شده است. با نگرشی اجمالی به روند نه‌چندان مطلوب بهره‌وری عوامل تولید در بخش کشاورزی طی چند سال اخیر می‌توان بیان نمود در صورت استمرار روند حاضر در بهره‌وری، اقتصاد کشور در سال‌های آتی با تنگناهای متعددی که عموماً ناشی از عدم به‌کارگیری مناسب عوامل و امکانات منابع و نیروهای بالقوه کشور است، مواجه خواهد بود.

نبود آگاهی کافی از ظرفیت‌های تولیدی کشور موجب ضعف در اتخاذ راهبردهای مناسب در بلندمدت از نظر تنظیم اهداف و پیگیری تحقق آن‌ها شده است و در عمل بین اهداف تعیین شده و عملکرد تفاوت‌های فاحشی



وجود داشته باشد. به‌عنوان مثال در برهه‌ای از زمان سیاست‌های خودکفایی شکر، گندم، گوشت و ... در دستور کار قرار گرفته است اما تولید و واردات این محصولات نشان می‌دهد این هدف به‌طور کامل تحقق نیافته و در مواردی تضعیف هم شده است. بحث خودکفایی همواره در راس سیاست‌ها و برنامه‌ها مطرح شده است اما بررسی و ارزیابی تراز تجاری و واردات محصولات اساسی کشاورزی حاکی از این است که در عمل خودکفایی اتفاق نیفتاده و کشور به واردات کالاهای اساسی وابسته‌تر شده است.

بی‌ثباتی و ناپایداری منابع طبیعی تعادل عرضه و تقاضای محصولات برای رفع نیازهای کشور را با چالش و مشکلات عمیقی در ابعاد مختلف مواجه نموده است. به‌عنوان مثال شرایط نامطلوب آب، فرسایش خاک و کاهش شدید حاصل‌خیزی خاک‌های کشور در شرایط کنونی نتیجه سیاست‌گذاری‌ها، تصمیمات کشور بوده که بی‌شک در آینده نه‌چندان سبب افزایش تنش‌های اجتماعی خواهد شد. ناپایداری منابع بیشترین تاثیر مستقیم خود را بر بخش کشاورزی گذاشته و می‌تواند بحث امنیت غذایی را با خطر مواجه سازد. توجه به توسعه کشاورزی بدون توجه به موجودی منابع منجر به عدم تحقق توسعه پایدار خواهد شد.

فضای نامناسب کسب‌وکار در بخش کشاورزی از جمله فراهم نبودن زمین‌های سرمایه‌گذاری و پیچیده بودن فرآیند راه‌اندازی کسب‌وکار از چالش‌های مهم بخش کشاورزی است. بر اساس نتایج پایش محیط کسب‌وکار توسط اتاق ایران در تابستان ۱۴۰۲، وضعیت محیط کسب‌وکار بخش کشاورزی بعد از بخش خدمات نامناسب ارزیابی شده است. بر اساس این پایش مهم‌ترین موانع کسب‌وکار توسط فعالان اقتصادی در بخش کشاورزی، غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات، دشوار بودن تامین مالی از بانک‌ها، بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب‌وکارها، دخالت غیرمنطقی نهاده‌های حاکمیتی در تعیین قیمت‌ها در بازار، موانع در فرآیندهای اداری و اخذ مجوزهای کسب‌وکار در دستگاه‌های اجرایی عنوان شده است.

تغییرات اقلیمی از طریق تاثیرگذاری بر متغیرهای آب‌وهوایی از قبیل بارش و دما بخش کشاورزی را تهدید می‌کند. تغییرات اقلیمی روند بلندمدت متغیرهای اقلیمی را تحت تاثیر قرار داده و سبب بروز وقایع خطرناکی نظیر خشک‌سالی، وقوع سیل و ... می‌شود. روند نزولی بارش در کشور، افزایش غلظت گاز کربنیک و گرمایش جهانی از حیث امنیت غذایی عاملی تهدید کننده محسوب می‌شود.

کمبود موجودی سرمایه و نحوه توزیع اعتبارات در بخش کشاورزی حکایت از آن دارد که سازوکار تخصیص اعتبار در این بخش از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. نبود ابزار مالی مناسب، ضعف در بازار مالی کارآمد، مداخلات ناکارآمد دولت در این بخش و ناتوانی در تامین منابع مالی مورد نیاز سرمایه‌گذاری از سرعت توسعه این بخش کاسته است.

یکی از عوامل اصلی توسعه و رشد مداوم بخش کشاورزی مکانیزاسیون آن است. علی‌رغم دستاوردهای شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه فناوری‌های نوین کشاورزی، ضعف فناوری در کشاورزی و وجود شکاف میان دانش فنی و کاربردی امری بدیهی بوده و سهم مکانیزاسیون کشاورزی به‌ویژه توسعه کیفی ماشین‌آلات کشاورزی در پیشرفت‌های فناورانه سال‌های اخیر اندک بوده است. ایجاد صنعت کشاورزی مکانیزه در ایران در سطوح ملی و محلی با مشکلات بسیاری از جمله تورم و نوسانات نرخ ارز و به تبع آن نوسان قیمت خرید ماشین‌آلات و تجهیزات، محدودیت سرمایه، کمبود نیروی انسانی ماهر، پایین بودن فناوری ساخت و ... مواجه است. این درحالی است که افزایش بهره‌وری در کشاورزی و پایداری تولید این محصولات، در گرو مدیریت صحیح و سیاست‌گذاری مشخص به‌منظور استفاده از دانش روز دنیا و حرکت به سمت کشاورزی علمی است.

نبود برنامه‌ریزی هدفمند برای توسعه صادرات محصولات کشاورزی و کاهش وابستگی به واردات چالش دیگری در این زمینه است. علی‌رغم وجود ظرفیت کشور در تولید و صادرات برخی از کالاهای کشاورزی، کشور در این زمینه چندان موفق نبوده و صادرات محصولات کشاورزی به بازارهای جهانی طی سال‌های گذشته با مشکلات فراوانی روبرو شده است. همچنین نگاهی به آمارها و اطلاعات رسمی کشور در سال‌های اخیر موید آن است که اقلام عمده وارداتی کشور به‌طور عمده به کالاهای اساسی مربوط است که بیشترین نقش را در تامین امنیت غذایی کشور دارد. این امر حکایت از وابستگی بالا به واردات در تامین کالاهای اساسی کشور داشته و می‌تواند در مواقع بحرانی کشور را از حیث امنیت غذایی با آسیب‌های جدی مواجه سازد.

## ۹. جمع‌بندی و ارائه راهکار

یکی از زمینه‌های حرکت از اقتصاد متکی به نفت به سمت اقتصاد غیرنفتی توجه به بخش‌های اقتصادی غیرنفتی و توسعه این بخش‌ها است. ارزیابی روند توسعه اقتصادی کشورها نشان می‌دهد که اکثر کشورهای توسعه‌یافته در ابتدا کشاورزی را به‌عنوان بخش زیربنایی توسعه اقتصادی جامعه خود برگزیده و با استفاده از ظرفیت‌های بسیار این بخش توانسته‌اند با تامین نهاده‌های مناسب برای رشد سایر بخش‌ها تلاش نمایند.

توسعه این بخش در روند رشد اقتصادی جوامع نقش مهمی ایفا می‌نمایند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به تامین امنیت غذایی، تامین نهاده‌هایی مانند نیروی کار، تامین مواد خام مورد نیاز صنایع بالا دستی، مصرف تولیدات سایر بخش‌های صنعتی از قبیل سموم شیمیایی، اشتغال، ارزآوری و ... اشاره کرد. توسعه بخش کشاورزی پیش نیاز توسعه اقتصادی کشور است و تا زمانی که موانع توسعه در این بخش برطرف نشود، سایر بخش‌ها به شکوفایی و توسعه دست نخواهند یافت. تنوع آب‌وهوایی برای کاشت انواع محصولات کشاورزی، وجود نیروی کار کافی در روستاها و نیروی تحصیل کرده در این بخش و ... از مهم‌ترین مزیت‌های موجود در بخش کشاورزی است. اما در عین حال چالش‌ها و مشکلاتی بر سر راه این بخش قرار دارد که پیشنهاداتی در راستای رفع این چالش‌ها ارائه می‌شود.

- برای توسعه بخش کشاورزی، می‌بایست سیستم فعلی تولید و بهره‌برداری از واحدهای کشاورزی را بهبود بخشید و باوجود محدودیت منابع و شرایط اقتصادی کشور، ضرورت دارد منابع به شیوه بهینه تخصیص یافته و در کاراترین بخش صرف شود. این تحولات بنیادی به افزایش بهره‌وری پایدار، امنیت غذایی و توسعه کشاورزی پایدار کمک خواهد نمود.
- در راستای حمایت بیشتر از بخش کشاورزی پیشنهاد می‌شود دولت سیاست خرید تضمینی را با جدیت دنبال نموده و با رفع چالش‌های موجود بر سر راه صادرات محصولات کشاورزی ارزآوری این بخش را افزایش دهد.
- پیش‌نیاز تحقق سیاست خودکفایی در تامین نیاز محصولات کشاورزی، اصلاح زیرساخت‌های تولید، افزایش مهارت نیروی کار، ارتقای سطح تکنولوژی، استقرار زنجیره‌های ارزش و ساماندهی تولید محصولات اساسی بوده و به‌نظر می‌رسد تولید محصولات اساسی باید در مناطقی متمرکز شود که توانایی تولید بالاتری وجود داشته باشد.

- پیشنهاد می‌شود به منظور افزایش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، دولت از طریق سیاست‌های حمایتی مانند توسعه نظام بیمه‌ای، اعطای تسهیلات مناسب و گسترش بازار، ریسک‌های اقتصادی و مخاطرات طبیعی موجود در این حوزه را کاهش دهد.
- به منظور افزایش پویایی بخش کشاورزی باید روند انتقال بخش کشاورزی از سنتی به مدرن تسریع شود. بدین منظور پیشنهاد می‌شود شرایط عمومی برای اتخاذ فناوری‌های دیجیتال فراهم شده و مراحل تحقیقاتی و مسائل فنی، اقتصادی و اجتماعی پیاده‌سازی کشاورزی هوشمند احصا گردد.
- در مجموع استفاده موثر از ابزارهای کارآمد بازار بیمه با تاکید بر مشارکت بخش خصوصی، اصلاح نظام قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی با استفاده حداکثری از ابزارهای بازار سرمایه، حمایت از ایجاد و توسعه تشکل‌های کشاورزی بخش خصوصی، اصلاح الگوی مصرف با تاکید بر ارزش غذایی و تقویت الگوهای ایرانی بومی، توسعه نظام‌های توزیع پیشرفته و نوین برای سهولت دسترسی به نهاده‌ها و محصولات، جدیت در کاهش ضایعات محصولات، فراهم نمودن زیرساخت‌های صادرات و تسهیل و شفاف‌سازی سیاست‌های تجاری کشور، ارتقای بهره‌وری، دستیابی به سطوح مطلوبی از کیفیت با هدف ارتقای شاخص‌های رقابت در بازارهای بین‌المللی، مدیریت صحیح عرضه و تقاضای محصولات، نگاه زنجیره محور بر توسعه فعالیت‌های کشاورزی و بازاریابی و بازاریابی محصول باید بیش از پیش برای حل معضلات بخش کشاورزی در دستور کار قرار گیرد.

## ۱۰. منابع

۱. اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران (۱۴۰۲). پایش محیط کسب و کار.

۲. بانک مرکزی

۴. سازمان بهره‌وری ایران

۴. گمرک جمهوری اسلامی ایران

۵. مرکز آمار ایران

۶. وزارت جهاد کشاورزی